

■ غلامحسین بهبودی

۳۷ سال پیش در چنین روز‌هایی، شهر اصفهان در تب و تاب پذیرایی از پیکر ۳۷۰ شهید عملیات محرم بود. پیکر این شهدا در روز ۲۵ آبان به شهر آمد و در یک تشییع باشکوه در گلزار شهدای این شهر دفن شد. در جریان این واقعه تاریخی، مردم اصفهان حماسه‌ای خلق کردند که مورد توجه حضرت امام نیز قرار گرفت. چنانچه در این خصوص فرمودند: «شما در کجای دنیا می‌توانید جایی را مثل استان اصفهان پیدا کنید؟ همین چند روز پیش، فقط در شهر اصفهان حدود ۳۲۰ نفر را تشییع کردند. مع‌الک به خدمت خود به اسلام ادامه می‌دهند.

امروز مردم ما فهمیده‌اند که تا فداکاری نباشد، اسلام را نمی‌شود پیش‌برد و می‌دانند که همه ما باید برای اسلام فدا شویم…» لشکر ۱۴ امام حسین(ع) در عملیات محرم نقشی محوری داشت. این لشکر در عملیات محرم حدود ۷۵۰ نفر شهید داد که تعدادی از این شهدا در طغیان رودخانه دوبرج به شهادت رسیدند. رودخانه فصلی دوبرج در استان ایلام، آبراهه‌ای بود که به گفته شاهدان، ابتدا آب کمی داشت، ولی رفته رفته شدت یافت و نهایتاً منجر به غرق شدن ده‌ها تن از رزمندگان اصفهانی حاضر در عملیات محرم شد.

پس از این واقعه تلخ، تعداد دیگری از رزمنده‌های اصفهانی نیز در جریان عملیات خونین محرم به شهادت رسیدند. نهایتاً مجموع آنها به رقم ۷۵۰ شهید رسید. از آنجایی که فرستادن پیکر این تعداد شهید در یک مرحله به شهر اصفهان مورد نگرانی و تشویش مردم می‌شد، شهید حاج حسین خرازی تصمیم گرفت ۳۷۰ شهید را در یک مرحله و باقی را در

■ فریده موسوی

شهید رضا مشعوف از یک خانواده جنوب‌شهری و رزمنده پرور بود. وقتی قرار شد با برادر کوچک‌ترش مهدی گفت‌وگو کنیم متوجه شدیم او هم از رزمندگان دفاع مقدس است. رزمنده‌ای که هنوز هم یاد آن دوران را فراموش نکرده و وقتی به بازگویی خاطرات برادرش می‌نشیند، اشک از چشم‌هایش سرازیر می‌شود. گفت‌وگویی با ما مهدی مشعوف برادر شهید رضا مشعوف را پیش‌رو دارید.

■■■

شهید چند سال از شما بزرگ‌تر بود؟
چطور خانواده‌ای داشتید؟

رضا متولد سال ۴۵ و سه سال از من بزرگ‌تر بود. ما یک خانواده پرجمعیت، مذهبی و متوسط داشتیم. رضا پسر اول خانواده بود. بیشتر اهل کار بود تا درس، ما برادر و خواهر‌ها همگی درس‌مان را ادامه دادیم اما رضا به کار علاقه داشت. درس‌را از یک مقطعی قطع کرد و در کفایش مشغول کار شد. بعد به نقره‌سازی رفت و کار کرد اما جنگ و خبرهایی که از جبهه می‌رسید اجازه نداد زندگی عادی‌اش را ادامه بدهد. تصمیم گرفت به جبهه برود و سال ۶۱ راهی شد.

برادر تان فعالیت انقلابی هم داشت؟

قبل از انقلاب و در جریان تظاهرات، رضا هر روز همراه پدرم کفن به تن می‌کردند و به راهپیمایی می‌رفتند. شب‌ها هم در مسجد محله‌مان نماز می‌خواند و سعی می‌کرد واجبات را سر وقت انجام دهد. از لحاظ مذهبی آدم مقیدی بود و به همین دلیل جوان‌ها هم بیشتر جذب انقلاب و دفاع مقدس می‌شدند.

غیر از رضا برادرهای دیگر هم به جبهه می‌رفتید؟

بله، حتی پدرم هم به جبهه می‌رفت. گاهی جبهه رفتن‌های‌مان تداخل پیدا می‌کرد. من خودم رفتم، رضا و یک برادر دیگرمان هم رفتند. یادم است یک‌بار که رضا از منطقه برای مرخصی برگشته بود، برادر دیگرمان مجروح شده بود.

چطور بود که برخی خانواده‌ها این‌طور در دفاع مشارکت داشتند و هر کاری از دست‌شان برمی‌آمد برای پیشبرد جبهه‌ها انجام می‌دادند؟

آن موقع جو انقلابی در بین خیلی از مردم با حرارت وجود داشت. البته برخی خانواده‌های مذهبی و عموماً قشر متوسط رو به پایین، انقلاب را از خودشان می‌دانستند و برای حفظ آن نهایت تلاش‌شان را می‌کردند. ما خودمان



انقلاب کرده بودیم و خودمان هم باید از آن دفاع می‌کردیم.

رضا در چه عملیاتی به شهادت رسید؟

ایشان در عملیات خیبر شهید شد. احتمالاً نام عملیات خیبر و سختی‌های آن را شنیده‌اید. دشمن برای اولین‌بار در این عملیات به صورت گسترده از بمباران شیمیایی استفاده کرد. برادرم در تاریخ پنج اسفند ۶۲ در جزیره معجون شهید شد. مثل خیلی از رزمنده‌های خیبر، پیکر او هم مدتی مفقود بود. چون



شرایط منطقه این‌طور ایجاب می‌کرد که مرتب خطوط خودی و دشمن جابه‌جا می‌شد و در این بین، برخی از شهدا جا می‌ماندند. اما دوستانش دیده بودند که برادرم مورد اصابت گلوله مستقیم دشمن قرار گرفته است. با این وجود سال‌ها چشم به راه بودیم. وقتی فیلم اسرا را پخش می‌کردند می‌گشتیم تا برادرش را بین‌شان ببینیم. حتی نزدیکان گفتند که یک نفر را شبیه برادرم بین اسرا دیده‌اند اما رضا برنگشت تا اینکه ۱۴ سال پس از شهادتش پیکر او را آوردند.

چه خاطراتی از برادر شهیدتان در ذهن شما مانده‌است؟

رضا خیلی به حق‌الناس حساس بود. فرزند اول خانواده بود و هوای همه ما را داشت. ما آن موقع در خانواده پرجمعیت‌مان اوقات خوشی را با هم سپری می‌کردیم اما جنگ و حساسیت روی اعتقادهای‌مان باعث شد دست از زندگی بکشیم و به جبهه برویم. در میان ما اسرا رضا عاقبت به خیر شد. او دو مرحله به جبهه رفت و بار آخر به آرزویش که شهادت بود رسید.

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۷۹۰

از راست به چپ

۱-امام صادق (علیه‌السلام) فرمود هر که منکر سه چیز باشد شیعه‌ما نباشد: معراج و سؤال قبر و ... -داستانی از جک لندن
۲- در دناک- سید بزرگ حمل میوه- ملی‌پوش تیم پرسپولیس
۳- قوم اتیلا- خاکستری تیره- آب شرعی- قلمه درخت
۴- سوسن زرد- همگام- سکه دوره هخامنشی- نفس غنیمتی
۵- شهری در استان ایلام- در جه‌داری در نظام
۶- وسیله درو- یک‌دهم- به‌شخصه
۷- گشوده- پول خرد آمریکایی- نویسنده رمان دمیان- مدرسه عالی
۸- کشور صنعا- لایه میانی زمین - هدر دادن- استخوان تیره پشت
۹- جاده ش‌ن‌ریزی شده- سخن سر به‌مهر- چینه دیوار- دانه خوشبوی
۱۰- غلاف شمشیر- هواپیمای جنگی روس- نوبت بازی شطرنج
۱۱- از مهمان پذیرایی می‌کند- استان سردسیر
۱۲- آش- تیره‌ای از نژاد سفید و ساکن چند کشور افریقایی- الگو و نمونه- اثر قلم
۱۳- نوعی یقه- بنده و شما- نانوا- آواز و ندا
۱۴- مخفیانه خودمانی- ریز نمرات دانش‌آموز- سقف فروریخته
۱۵- برهم زدن قانون- قصری که سه سنمار ساخت

از بالا به پایین

۱- منظومه‌ای از هلالی جغتایی- از ابزار ورزش باستانی
۲- شهری در عراق - خدای مصریان- خوراک قناری
۳- ضمیر اشاره به نزدیک- دشمن سخت- یاد خنک- رگ گردن
۴- عمو- وحشت- ترسناک- ویتامین جدولی
۵- میزان الحارره- سروده‌های داود نبی
۶- کالابریگ- درخت انداز- از حروف یونانی
۷- مالیخولیا- وزیر فرعون عصر حضرت موسی- مدافع فوتبال
۸- نوع سبیش شیرینی خوشمزه‌ای است- قطعی برای کاغذ- صندلی دوچرخه- شیر داخل لوله تفنگ
۹- مسأوی- توطئه پنهانی- آسمان آبیستن باران
۱۰- قطعه زمین کشاورزی- زعفران- ایالتی در هند
۱۱- پادشاه هخامنشی- زمان تولد
۱۲- رطوبت- شهری نزدیک گناباد- قوه حافظه- از گروه‌های خونی
۱۳- مذهب- قلع- شبکه گسترده جهانی- شهری در جنوب لبنان
۱۴- بزرگ کلاس- خدا- صندوقی چوبی برای نگهداری لباس
۱۵- پایتخت نیجر- تنگه‌ای که دریای مدیترانه را به اقیانوس اطلس وصل می‌کند



روز حماسه مردم اصفهان در تشییع پیکر ۳۷۰ شهید در یک روز

روزی که خانه اصفهانی‌ها آرامگاه شهیدان شد



شهرهای دیگر نیز خود را به اصفهان رسانده بودند و در تشییع شهدا شرکت می‌کردند. اما حماسه مردم اصفهان به همین جا ختم نشد. چون محلی که برای تدفین شهدا در نظر گرفته بودند گنجایش این همه شهید را نداشت، تصمیم گرفته شد خانه‌های تعدادی از اهالی تخریب شود و به مساحت تخت فولاد اضافه

گفت‌وگوی «جوان» با برادر شهید رضا مشعوف

گمگشته مجنون ۱۴ سال بعد برگشت



چه خاطراتی از برادر شهیدتان در ذهن شما مانده‌است؟

رضا خیلی به حق‌الناس حساس بود. فرزند اول خانواده بود و هوای همه ما را داشت. ما آن موقع در خانواده پرجمعیت‌مان اوقات خوشی را با هم سپری می‌کردیم اما جنگ و حساسیت روی اعتقادهای‌مان باعث شد دست از زندگی بکشیم و به جبهه برویم. در میان ما اما رضا عاقبت به خیر شد. او دو مرحله به جبهه رفت و بار آخر به آرزویش که شهادت بود رسید.

یادکرد



شهید غفور جدی از ماهرترین خلبانان نیروی هوایی

که در آبان ۱۳۵۹ آسمانی شد

وصیت کرد کفنش پرچم ایران باشد

■ **احمد محمدتبریزی**

روزهای سخت و دشوار اول جنگ با

حضور خلبانان ورزیده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با قدرت سیری شد. عملیات بزرگ کمان ۹۹ در دومین روز دفاع مقدس، با ۱۴۰ فرزند هواپیما انجام شد و ضربات سنگینی را به ارتش بعث وارد کرد. خلبانان زبده و شجاع نیروی هوایی در روزهایی که دیگر نیروهای نظامی سازماندهی درستی نداشتند، به خوبی از مرزهای کشور دفاع کردند. شهید غفور جدی یکی از همین خلبانان بود که سرگذشت عجیب در کنار شجاعت و رشادتش، نکات زیادی را برای خواندن دارد.

استعداد و مهارت‌های غفور جدی در پرواز خیلی زود مشخص شد. او در عرض دو سال دوره‌های مقدماتی پرواز را سپری کرد و سال ۱۳۴۸ به همراه دومین گروه دانشجویان اعزامی به آمریکا سفر کرد تا دوره تکمیلی خلبانی خود را در این کشور بگذرانند. با ورود شهید جدی به آمریکا فصلی